

هیچ کس ناگا به نه سلی «بیت»

نه سلی بیت (Beat) نه سلی ویران و روخواوی نه مریکایه، دهنگی نهو به ریه یه که له ناخی شه ری جیهانیی دووهمه وه هانتن و که وتنه ناو فه زای شه ری قیتنام، نه ده بی نه مریکا نهیده توانی له کۆتاییه کانی ۱۹۵۰ دا به ره و فه لسه فه و نه ده بییه تی روت بروا، بۆیه له کۆتاییه کانی ۱۹۵۰ و سه ره تا کانی دهیه ی ۱۹۶۰ دا به ریه یک ... لاپه ری ۱۴



دوشنبه ۶ تیر ۱۳۸۴ ■ ۲۰ جمادی الاول ۱۴۲۶ ■ ۲۷ ژوئن ۲۰۰۵

روز هلات

اقتصادی فرهنگی اجتماعی سیاسی

Rojhlat Independent Weekly

روشنیر و گوتاره رو شنیریه کانی کوردستان

روشنیر کییه، ئایا بوونی هییه و شه گه ره هییه چ خسه لته و تاییه تمه ندیکه لیکه هییه و نه کری چ نه کریک به ریوه ببا؟ دهنگه نه م پرسپارانه تاراده یه یک سوا و تیکراری بن و له لایه کی دیکه وه ته نانه ت هه ندی به زره پرسپاری بزانتن، به لام واقیع هه ندیچار و لامدانه وه ی نوئی و سه ره له نوئی فه زن شه کات لاپه ری ۸ و ۹ ...



سال دوم ■ شماره ی ۳۴ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰ تومان

تیر

سه مبولیزم و عه شقی

تیروریست بو مردن

لاپه ری ۱۱

بحران

گروه های مرجع

صفحه ی ۲

بیریاری کردن به سهر

هیژی دوزه خه وه

لاپه ری ۱۲

انشعاب در

اصلاح طلبان کرد

صفحه ی ۳

ژن وهک «تیپ»

نه وهک «تاک»

لاپه ری ۱۳

پوپولیسیم

و قهر مانان فصلی

صفحه ی ۳

کورده کانی سوریا و

سه رده میکی نوئی

لاپه ری ۱۵

کردستان ایران

اقتدار گرایی و افراطی گرایی

صفحه ی ۴

میزان مشارکت در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری:

مناطق کردنشین ۴۰٪



محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران شد. این خبری بود که با اعلام رسمی نتایج دومین دور انتخابات ریاست جمهوری ایران در ظهر روز شنبه چهارم تیرماه ۱۳۸۴ تیر و خبر اول بیشتر خبرگزاری های جهان را به خود اختصاص داد. دکتر محمود احمدی نژاد شهر دار تهران توانست در یک سرش تقریباً به پیروزی امید بسته بود شکست خورد. رقابت راحت و با فاصله ای تقریباً زیاد یکی از قدرتمندترین مردان سیاست ایران در سه دهه ای اخیر را شکست دهد. هاشمی رفسنجانی که با پیروزی نسبی خود در دور اول و اجماع همه ی گروه های اصلاح طلب و میانه رو در پشت سرش تقریباً به پیروزی امید بسته بود شکست خورد.



ماموستا ده بیته:

- بروای بهوه هه بیته که خویندکار هه م ده توانیته و هه م دهیه ویته بهرپرسی خویندنی خوئی و ژینگه ی مه کنه بی خوئی بیت،
- کار بکات بو نه وهی هه موو خویندکاریک، بی حیوازیی زایه ند یان پاشخانی جفاکی و فره ههنگی، ته واو ده سترو بی له بواره کانی دیاری کردنی شیوازی کار و ناوه پروکی خویندن. ههروه ها کار بکات بو نه وهی نه م ده سترویه له تهک گه وره بوون و رسکاندا زیاد بکات،
- کار بکات بو نه وهی کچ و کور، وهک یهک ده رفه تیان هه بن و وهک یهک له خویندندا ده ستروین،
- کارناسانی بکات بو نه وهی خویندکار بوئی هه بیته شیوازی کاری جوآروچور تاقی بکاته وه،
- له کاری بهرنامه ریژی و هه لسه نکاندنی شیوازی خویندندا خویندکاران به شدار بکات،
- خویندکاران ناماده بکات بو به شدار بوون و بهرپرسایه تیبی هاوکو، بو نه ماف و نه رکه ی له کومه لگه ی دیمو کرتادا هه ن.

له سویدیه وه کراوه به کوردی

www.Komak.nu

مقاله

همه ی آزادی، همه ی قدرت

فرهاد امین پور

آن کس که آزادی را جز به خاطر آزادی می خواهد برای بندگی آفریده شده است. «توکول»

انتخابات ریاست جمهوری فرصت مغتنمی شد تا بار دیگر جغرافیای شعور و فهم سیاسی ما عریان تر از پیش شود. اولین پیامد این جریان آشکار شدن این واقعیت غم انگیز بود که مفهومی به نام دموکراسی اصلاً در کانون توجه بخش اعظم فعالین سیاسی ما (کردستان) نیست و هنوز توسن خیال با تمامی عواقب هولناکاش در قلمرو سیاست مان چهار نعل می تازد و برای نابود ساختن هر آن چه بر سر راهش قرار گیرد حتی حاضر است خود را نیز نابود کند. گفتمان غالب بر نگرش سیاسی ما هنوز به انکسار آزادی اعتقادی ندارد و در انتظار «در اختیار گرفتن» کامل آن است. به همین خاطر به هر آن کس که بخواهد به فکر کسب واقع بینانه و جزء به جزء این مفهوم مهجور (آزادی) باشد به شیوه ای قبیله ای، غیر عقلانی و غیر اخلاقی حمله کرده و او را اماج نهمت ها و تهدیدها قرار خواهد داد. بخش زیادی از سیاسیون و فعالین فرهنگی ما آزادی را ابزاری می دانند که فعلاً در دست دیگری است و منتظر حادثه ای رویایی هستند تا آن را از رقیب بازستانده و در اختیار بگیرند. چنین نگرشی به تلاش برای کسب آزادی و بنیان نهادن بیستریهای اجتماعی آن اعتقادی ندارد و کاملاً انتزاعی و غیر واقع بینانه است. زیرا آزادی وضعیتی است که باید برای کسب، تعمیق و استقرار آن در یک فرآیند زمانی و در یک بستر اجتماعی تلاش کرد. آنهایی که همه ی آزادی را یکباره می خواهند هرگز به بخشی از قدرت نیز قناعت نکرده و تمام آن را به طور کامل خواهند خواست. به بیان دیگر آنان که به دنبال در اختیار گرفتن همه ی آزادی و آزاد کردن ابدی جامعه از رهگذر حادثه اند اولین کسانی هستند که بر تمامی قدرت نیز چنگ انداخته و به تقسیم آن پایبند نخواهند بود. در معادله ی «همه ی آزادی، همه ی قدرت» مفاهیمی چون «عقل»، «سیاست» و «جامعه» به راحتی جای خود را به واژگانی چون «احساس»، «آرمان گرایی» و «عشیره» داده و امرانه در فکر ایجاد کلیتی یکدست، بدون تناقض و تهاجمی خواهند بود، زیرا به قول «هاپراس» باورهای سنتی تنها به این دلیل که سنتی هستند گرایش به ایستایی و تکیه کردن بر موجودیت های محدود و دارای ساختار سلسله مراتبی و منسجم دارند. بر همین اساس می توان گفت مصالحه ناپذیری و تمعصبی که برخی آموزه های سیاسی در میان ما کرده اند ننگینه اند فقط با جذب های عاطفی و تمعصبانیت کور دینی قابل قیاس است. آیا ما از آزادی می هراسیم؟ آیا حکومت ها آینه ی تمام نمای شعور و اراده ی مردمان شان هستند؟ آیا ما...؟

آنان که می خواهند جامعه را با به اوج رساندن محدودیت و تندروی آزاد کنند ناآگاهانه به ابزار و پلی برای بازتولید آن تبدیل شده و هرگز شایستگی و صلاحیت داده داری رهایی مردم را، تنها به این دلیل که حاضر به مایه گذاشتن از هستی و جان آنان اند نخواهند داشت. البته ناگفته نماند که برخی از حاملان این رویکرد به صورت مستقیم برای اقتدارگرایان کار کرده و عواطف و احساسات جامعه را به سروشی برای پنهان کردن خود تبدیل می کنند.

شکستی نیست که در جهان جهانی شده امروز تنها رهیافت های می توانند سودای کسب آزادی را در سر پروراندند که استوار بر عقاید جهان شمول درباره ی علم و عقل باشند. رهیافت هایی که از عقلانیت بهره ای نبرده و برای علمی ساختن سازوکارهای اندیشیدن خویش اعتباری قابل نیستند نه سودای آزادی دارند و نه فرآیند کسب و نگهداری آن را می شناسند. وسعت اندیشه ی بسیاری از فعالان سیاسی و فرهنگی جامعه ی ما که بی محابا و مداوم خود را «روشنفکر» می نامند و برای خود طبعی های رویایی ساخته اند آن قدر محدود است که حتی شایستگی برخوردار شدن از یک ظاهر ایدئولوژیک را نیز ندارند، زیرا رویکردهای ایدئولوژیک اگرچه از اعتباری بیش از حد و بی بنیاد برخوردارند اما لااقل از برهان های علمی بی بهره نیستند؛ خصوصیتی که تولیدات سفارشی بخشی از فعالان سیاسی و فرهنگی ما توان و شایستگی آراستن خود را با آن نسبز ندارند. انبوه مقالات بی محتوا و خالی از کمترین ارزش های علمی و صرفاً توهین آمیز که در ماه های گذشته و در تخطئه ی دشمنان فرضی نوشته شدند مؤید این موضوع هستند. آنان که در انتظار در اختیار گرفتن همه ی آزادی نشسته اند، آشکارا باور به راه و رسم های دموکراتیک را به تمسخر می گیرند و خشونت را توجیه می نمایند. به قول بشیریه، ضدیت با اصلاح ساختار قدرت، به طور مستقیم یا غیر مستقیم مبتنی بر نظریه پردازی هایی است که به شیوه های رمانتیک به تقدیس خشونت می پردازند. راه و رسم های دموکراتیک فقط سد راه قدرت و خودسری نیستند بلکه پیش از هر چیز فرصت مناسبی برای «ترتیب» انسان ها و چیره ساختن عقل و اخلاق بر زندگی فراهم می کنند؛ راه و رسم هایی که اگر یک شبه ایجاد شوند باید در مساهمت واقعی شان شک کرد. به اعتقاد پوپر، هر نسل گرفتاری ها و مشکلات خود را دارد و به این جهت حق دارد تاریخ را از دریچه ی چشم خویش نگریسته و به نحوی آن را تعبیر کند که مکمل تعبیر نسل های پیشین باشد نه کپی آن. روی سخن این نوشتار با وابستگان به اقتدار گرایی در کردستان نیست، آنانی که به سبب هر آن چه در گذشته کرده اند به قدرتی مطلق نیاز دارند تا در زیر آن پناه گرفته و خود را از چشم مردم پنهان سازند. روی سخن این نوشتار با آنانی است که سودای تغییر وضع نامطلوب جامعه، اصلی ترین دغدغه ی فکری شان است؛ باید ثابت کنیم که دچار خودآزاری نیستیم و از آزادی نمی هراسیم، باید راه دشوار کسب آزادی را قدم به قدم طی کنیم زیرا در انتظار در اختیار گرفتن آزادی کامل نشستن، نه هنر است و نه سیاست. به زبان ساده و به قول «برشت»، آنان که می خواهند تکی را برقرار کنند خود باید تکی باشند.